

قالب اصلی مقالات همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

مکان و تاریخ برگزاری همایش: کرمانشاه، آموزش و پرورش - ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

سلام. توجه فرمایید این صفحه و صفحه بعد را حذف نکنید.

مقاله را از صفحه سوم شروع کنید. از صفحه سوم که شروع مقاله شماست عنوان مقاله، نام نویسنده و متن چکیده را درج کنید سپس ادامه مقاله را به همان شکل و قالبی که مقرر داشته ایم جایگزین توضیحات کنید....

توجه کنید:

مقالات ارسالی تنها در قالب تعیین شده مجله مورد بررسی اولیه قرار می‌گیرند و در صورت عدم رعایت ساختار مورد نظر، مقالات ارسالی وارد فرایند داوری نخواهد شد.

در صورت هرگونه سوال در خصوص پذیرش مقالات یا جذب در هیأت تحریریه همایش با خانم دکتر

قبادی تماس بگیرید **۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵**

دبیرخانه مرکزی همایش: **۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹** و **۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶**

واحد صدور گواهی نامه پذیرش مقالات **۰۲۱۴۴۴۴۱۷۸۴** و **۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴**

ساده ترین روش ارسال مقالات:

ارسال مقاله از طریق ایمیل (به همراه شماره تماس) به ایمیل زیر:

OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، تلگرام، اینستاگرام، سروش و ... به شماره

۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

سایت همایش:

WWW.OLOMENSANI.IR

این صفحه را حذف نکنید و از صفحه بعد متن مقاله را با درج عنوان و ... شروع کنید

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون بار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی استان کرمانشاه، جهاد دانشگاهی استان تهران و دیگر سازمان ها و نهادهای دولتی))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نمایه مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

جایگاه ادب و تربیت در سیره پیامبر اکرم (ص) با تأکید

بر دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی (ره)

زهرا نوروستا

دانش آموخته سطح دو، حوزه علمیه حضرت فاطمه معصومه سلام الله و علیها، استان البرز، هشتگرد، ایران.

آدرس پست الکترونیک نویسنده: (noorostazahra@gmail.com)

علی خواجهویی بازمانده

کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، مدرس گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بردسیر، ایران.

آدرس پست الکترونیک نویسنده مسؤل: (Ali_khajouei@yahoo.com)

جلیل کاظمی پور

کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، مسؤل مرکز مشاوره امین دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بردسیر، ایران.

آدرس پست الکترونیک نویسنده: (jalilkazemi56@gmail.com)

رسول علیمرادی

کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی در سازمان های ورزشی، اداره آموزش و پرورش شهرستان بردسیر، دبیر ورزش.

آدرس پست الکترونیک نویسنده: (rasoolalimoradi@gmail.com)

چکیده

ادب و اخلاق نیک از صفات زیبای نفسانی و موجب تعالی روح است. پیامبر (ص) به عنوان مبلغ دین، کامل ترین خلیفات را از جانب پروردگار دارا می باشد؛ از این رو متخلیق به تام ترین نوع ادب است. ایشان هم در پیشگاه الهی و در ذکر، امتثال و انتساب پروردگار، مؤدب بودند و هم نزد بندگان خدا، ادب را به بهترین شکل در گفتار و کردار، رعایت کرده اند. علامه طباطبائی (ره) نیز در تفسیر المیزان، ذیل آیاتی چند، با بیان روایات متعدد به تبیین جایگاه اخلاق و ادب پیامبر (ص) پرداخته اند. اهمیت بررسی این پژوهش به منظور الگوگیری و تأثیرپذیری جوانان از یک انسان کامل در صفات حسنه می باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و به صورت اسنادی و کتابخانه ای با استخراج مطالب از منابع مربوط، اوج جایگاه ادب رسول خدا (ص) را تبیین نموده است؛ چراکه ایشان به شکلی اکمل این صفات را به جلوه ظهور گذاشته اند و آیات و روایات در این زمینه گواه ماجرا است. نتیجه آن که: پیامبر گرامی اسلام (ص) در نگاه تفسیری آیت الله طباطبائی (ره)، چه در محضر الهی و چه در اجتماع شخصی مؤدب و متخلیق به کمالات اخلاقی بوده که در گفتار و رفتار آن را عملی کرده است.

واژگان کلیدی: ادب، تربیت، سیره پیامبر (ص)، دیدگاه تفسیری، علامه طباطبائی.

مقدمه

ادب و اخلاق حسنه اسلامی، سرمایه‌ای ارزشمند برای دنیا و آخرت می‌باشد. از این رو لازم است برای شکوفایی نهال اخلاق، از شخصی کامل در این زمینه، همچون نبی مکرم اسلام(ص) پیروی کنیم. از سویی خداوند، پیامبر(ص) را از میان انبیاء الهی به صفت خُلق نیکو و عظیم ستوده و از سویی دیگر بعثت ایشان را تزکیه نفس و نهادینه سازی فضائل اخلاقی معرفی کرده‌اند. این خُلق در بردارنده تمامی رفتارهای مناسب و آداب صحیح زندگی و معاشرت است که ادب نبوی را مشخص می‌کند. پیامبر گرامی اسلام(ص) در دو بُعد مهم، ویژگی ادب و اخلاق نیکو را هرگز ترک نکردند. یکی ادب ایشان در پیشگاه خداوند است که در ذکر خدا، امتثال به فرمان الهی و انتساب پروردگار به صفات نیکو، به بهترین نحو عمل کرده‌اند. دومین بُعد، ادب نزد بندگان خدا می‌باشد که در رفتار و گفتار نمودهایی را دارد. علامه طباطبائی با بررسی و تبیین گروهی از آیات در تفسیر المیزان و بیان روایت‌های متعددی در این زمینه، جایگاه والای ادب و اخلاق حسنه پیامبر(ص) را نمایان می‌سازند. الگوگیری از چنین شخصیت کاملی در جهان، موجب ترفیع جایگاه افراد در مکارم اخلاق است. از این رو بر آن شدیم با بررسی موضوع «جایگاه ادب در سیره پیامبر اکرم(ص) با تکیه بر دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی(ره)» ادب و اخلاق حسنه پیامبر اکرم(ص) را در نگاه تفسیری علامه، مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا زوایای پنهان شخصیت والای نبی اسلام(ص) از دید مسلمانان مخفی نماند و راه تأثیرپذیرفتن و الگوگیری از ایشان هموارتر شود. بحث از این موضوع در متون و مقالات، به شکلی اختصاصی وجود ندارد و یا ادغام شده با موضوعات دیگر است. اما در هر برهه‌ای سخن از جایگاه ادب پیامبر(ص) به شکلی ضمنی در کار بوده‌است. برای مثال کتاب‌های روایی در هر زمانی، روایات وارده به این قسمت از شخصیت ایشان را از یاد نبرده‌اند و مقالاتی همچون «سیره اخلاقی پیامبر اعظم(ص)» به قلم حسین شیدائیان، ادب و اخلاق پیامبر(ص) را مورد بررسی و تبیین قرار داده‌است. همچنین مقاله «بررسی ابعاد خُلق عظیم پیامبر اعظم(ص)» نوشته صدیقه عمادی استرآبادی، ابعاد روحی پیامبر(ص) در زمینه اخلاق حسنه، مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. هر دو مقاله یاد شده و متونی که آداب اخلاقی پیامبر(ص) را مورد بررسی قرار داده‌اند، هیچکدام ادب پیامبر(ص) را به شکلی مستقل و اختصاصی تبیین نکرده‌اند؛ این پژوهش سعی دارد با بررسی ابعاد ادب در شخصیت نبی مکرم اسلام(ص) با تکیه بر دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی رحمه

الله، این صفت مهم در طول زندگی ایشان، در دو مبحث ادب نبوی در پیشگاه خدا و ادب نبوی نزد بندگان الهی، به شکلی اختصاصی مورد تبیین و بررسی قرار گیرد.

۱- مفهوم شناسی

در تبیین و بررسی موضوع «جایگاه ادب در سیره پیامبر اکرم(ص) با تکیه بر دیدگاه تفسیری علامه طباطبائی» نیاز به مفهوم‌شناسی، تعدادی کلمات است که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۱- ادب

ادب از متداول‌ترین واژه‌هایی است که همواره در گفتن و نوشتن و نظم و نثر به کار می‌رود. موارد استعمال این واژه مختلف و بررسی دقیق منشأ پیدایش آن امری دشوار است. (شمس و زارع باز قلعه، ۱۳۹۰: ۳) ادب در فرهنگ فارسی به معنای شگفت و عَجَب، (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۵۸-۱۵۵۷) دانش، معرفت و روش پسندیده است (عمید، ۱۳۷۵: ۱۰۲-۱۰۱) و در لغت‌نامه‌های عربی به معنای تمرین دادن نفس (مقرئ فیومی، ۱۳۸۳: ۹) و حسن اخلاق (الطریحی، ۱۳۸۷: ۵۱) می‌باشد. ابن منظور نیز آن را راهنمایی مردم به سوی کار پسندیده و بازدارنده آن‌ها از کار زشت می‌داند. (ابن منظور، ۱۴۰۴ ق: ۲۰۶) ادب در اصطلاح نیز در طی ادوار، به دو معنای ادب دینی و ادبیات به کار رفته است (بجنوردی، ۱۳۹۸: ۲۹۶) که مقصود در این مقاله ادب دینی می‌باشد. تفصیل این اصطلاح به معنای: «حفظ حد و اندازه هر چیزی و تجاوز نمودن از حدش را ادب گویند.» (شیخ طبرسی، ۱۳۸۷: ۱۹۹) علامه طباطبائی رحمه الله در تفسیر المیزان ادب را چنین معرفی می‌کند: «ادب، هیئت زیبا و پسندیده است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی چه دینی باشد مانند دعا و امثال آن و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان بر طبق آن هیئت واقع شود. به عبارت دیگر: ادب عبارت است از ظرافت عمل.» (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۲۵۶) در طی پژوهش این معنا از ادب که از دیدگاه علامه ذکر شد، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱-۲- سیره

سیره به زبان عربی و از «سیر» گرفته شده است، که به معنای حرکت، رفتن، راه رفتن و همچنین نوع راه رفتن می‌باشد. (عمید، ۱۳۷۵: ۴۵) ابن منظور سیر را به معنای رفتن و سیره را به معنای روش و رفتار و سنت می‌داند. (ابن منظور، ۱۴۰۴ ق: ۳۹۹) در این مقاله سیره به معنای روش و شیوه زندگی در راستای زندگی پیامبر اکرم (ص) بررسی خواهد شد.

۲- ادب در پیشگاه الهی

آراستگی به آداب از مهم‌ترین امور در حوزه اخلاق و صفات انسانی است، که دارای درجات و مقاماتی می‌باشد. هرکس بنابر درجات ایمانی و روحی خود از طبقات ادب بهره‌مند است. بهترین و بالاترین رتبه، مربوط به پیامبر گرامی اسلام (ص) است؛ چرا که هم در ادیان مختلف و هم در قرآن کریم به این مهم اشاره شده و از این رو ایشان را به عنوان یک الگوی برتر می‌توان برگزید. (شیداییان، ۱۳۸۵: ۴) ادب از دیدگاه علامه طباطبائی در دو قسم ادب در پیشگاه الهی و ادب نزد بندگان خدا است. (امین، ۱۳۸۵: ۲) علامه طباطبائی در مورد وجود این دو قسم در سیره انبیاء چنین می‌فرماید: «ادب اعم است از ادب نسبت به خدا و ادب نسبت به مردم.» (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۲۶۲) ایشان به زبانی دیگر از این دو قسم ادب، به فردی و اجتماعی یاد کرده‌اند؛ چراکه ادب فردی رعایت آداب عبودیت در محضر الهی و ادب اجتماعی رعایت آداب معاشرت و احترام به خانواده و مردم است که در این بخش به ادب در پیشگاه الهی خواهیم پرداخت. ادب نسبت به خدا، همان پیروی از آداب الهی است که عمل کردن به طاعت خدا و ستایش الهی در مشقت و راحتی و شکیبایی در سختی‌ها می‌باشد. (دیلمی، ۱۳۹۵: ۳۸۸) پیامبر اکرم (ص) که نمونه کاملی از یک الگوی تمام عیار در زمینه‌ی ادب و اخلاق پسندیده است، ادب در پیشگاه الهی را در زمینه‌های مختلفی مورد عنایت قرار دادند؛ که از جمله آن‌ها ادب در ذکر، ادب در امتثال و ادب در انتساب خداوند است.

۲-۱- ادب در ذکر خداوند

ضمن تعریف ادب در ذکر خدا از امام جواد (ع) چنین وارد شده است: «هرگاه دو نفر را مقایسه کنیم، آنکه ادبش بیشتر باشد نزد خدا برتر است ... کسی که ادب در یاد خدا دارد- قرآن را

تلاوت کند آن گونه که نازل شده است ... آن گونه که ما گفته‌ایم خدا را بخواند بدون اینکه از خدا طلبکار باشد (و خود را مدیون خدا بداند)» (محیطی، ۱۳۸۱: ۲۰۲) باتوجه به تعریف امام (ع) از ادب در ذکر و مطابقت این تعاریف با شخصیت پیامبر (ص)، می‌توان به جرأت گفت ایشان نمونه اکمل این تعریف می‌باشند. برای نمونه پیامبر اعظم (ص) با تمام اشتیاق انتظار نماز را داشتند و در وقت نماز چیزی بر آن مقدم نبود. هرگاه ایشان به نماز می‌ایستادند، از خوف خدا رنگ چهره‌شان تغییر می‌کرد و صدای سوزناک از او به گوش می‌رسید و آن چنان اشک می‌ریختند که مکان سجده ایشان خیس می‌شد. حضرت محمد (ص) همیشه ذکر خدا، دعا و التجاء به درگاه خداوند را مد نظر داشتند و برای انجام تکالیف دینی دعاهای مخصوص را قرائت می‌کردند، (شیداییان، ۱۳۸۵: ۹) که این‌ها همه نشانه ارادت و ادب ایشان در زمان نماز و دعا در پیشگاه الهی می‌باشد. پیامبر (ص) جدای از اشتیاق در اطاعت، اشتیاق در ادب داشتند، چراکه اطاعت ایشان با ادبشان در ذکر یاد خدا، زینده و کامل کننده عبادتشان در حد اعلا می‌شده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) خطاب به خداوند چنین دعا می‌فرمود: «اللَّهُمَّ حَسِّنْ خُلُقِي كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۵۳) در این دعا پیامبر (ص) از خداوند درخواست دارد که صفات نفسش را همچون صفات بدنش نیکو فرماید. بنابراین اخلاق یعنی صفات نفسانی انسان. (عمادی استرآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۳) دعا نشان دهنده این مطلب است که ایشان بیشتر از رسیدگی به جان به روحشان رسیدگی داشتند و با وجود دقت نظرشان در التزام به تقوی الهی و رعایت ادب در پیشگاه حق تعالی، از دعا برای رسیدن و ماندن در کمال اخلاق و ادب دریغ نمی‌کنند. پس سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) در ذکر خداوند، ابراز نهایت ادب بوده که نشانگر مقام والای شخصیت ایشان در کمالات اخلاقی می‌باشد. از این رو ایشان در نماز، دعا و راز و نیازشان در محضر الهی، همیشه در کمال ادب و متانت بودند؛ گویی که خداوند را مشاهده می‌کنند و ادب ایشان به دلیل حضور ذات اقدس الهی می‌باشد.

۲-۲- ادب در امتثال خداوند

امتثال در لغت به معنای فرمانبرداری و بجای آوردن فرمان است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۰۳) همچنین در اصطلاح به معنای اطاعت امر مولا و به اعتقاد علماء اصول، به معنای موافقت با تکلیف و حرکت به سوی انجام آن و مطابق عمل انجام شده با واقع است. (مشکینی، ۱۳۹۴: ۷۲)

به نظر می‌رسد امثال و اطاعت مترادف هستند، اما می‌توان بین آن دو فرق گذاشت، چراکه امثال اقدام به تحقق فرمان مولا در خارج است چه نیت باشد و چه نباشد اما اطاعت به معنای موافقت با امر مولا در نیت و در عمل می‌باشد. (صدر، ۱۴۱۰ق؛ حسینی شیرازی، ۱۳۹۹: ۱۱۲)

طبق آیات و روایات وارده پیامبر گرامی اسلام(ص) در هیچ‌جا نسبت به دستورات الهی سرپیچی نکرده‌اند. ایشان آخرین پیامبر بوده و خداوند کامل‌ترین شریعت را برای هدایت جهانیان به ایشان ابلاغ کرده‌اند از این‌رو کامل‌ترین شخص در تاریخ بشریت را برای ابلاغ آن برگزیده‌اند. از دیدگاه ابن عربی که ادب را به چهار دسته: ادب شریعت، ادب خدمت، ادب حق و ادب حقیقت تقسیم کرده‌است، تمامی این ادب‌ها در پیامبر(ص) جای دارد. ایشان در تعریف ادب خدمت بر این باور است که آن ادبی است که پادشاه زبردستان خود را تأدیب می‌کند و با توجه به اینکه پادشاه همان الله است، پس به بندگانش رعایت ادب و چگونگی آن‌را در محضر خود تعلیم فرموده و این نیز نوعی تعامل با خداوند است. (ابن عربی، ۱۳۹۲: ۲۸۵) پس فرمانبرداری از حق تعالی نوعی ادب در پیشگاه خدا به شمار می‌آید که پیامبر(ص) به نحوی اکمل و اتمم آن‌را به نمایش گذاشتند و موجبات الگوگیری جهانیان را در امثال الهی فراهم کردند. با توجه بر تعریف علامه طباطبائی از ادب نسبت به خدا که در ابتدا گذشت، چنین می‌توان برداشت کرد که تعریف ادب، از نظر ایشان همان امثال خداوند به شکلی ظرافت گونه می‌باشد. با بست نظر در این نمونه، پیامبر(ص) با ظرافت عمل خاصی در امثال خداوند در طی زندگیشان کوشیدند تا ادب در پیشگاه الهی را به شکلی کامل به جا آورده و در این راه فروگذاری نکرده‌اند. علامه معتقد است، معانی توکل به خدا و تفویض امر به او، تبری از حول و قوه خویشتن و راه چاره خواستن از خدا، به یکدیگر مربوط و برگشت همه آن‌ها به یک اصل است که آن اعتقاد و استناد به قدرت و اراده الهی است که هرگز مغلوب نمی‌شود. (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۷۳) این حقیقتی است که در قرآن و سنت پیامبر(ص) مردم را به آن دعوت کرده‌اند: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم/ ۱۲)

همچنین علامه در ادامه تفسیر خود در آیه ۱۲ سوره ابراهیم می‌افزاید که، متخلق به این خُلق‌ها و متأدب به این آداب شدن، علاوه بر اینکه موجب قرارگیری در مسیر حقایق و واقعیات شده و عمل منطبق بر واقع می‌شود، آدمی را در دین مستقر کرده، تأثیر زیادی می‌گذارد، به شکلی که انسان یقین می‌یابد حقیقت هر چیزی بازگشت حقیقی آن به خدای سبحان است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَصِيرُ الْأُمُور» (شوری/ ۵۳) امام صادق(ع) می‌فرماید: «هیچ‌گاه پیامبر خدا(ص) درباره چیزی که

گذشته بود، نمی‌فرمود: کاش غیر این بود.» (کلینی، ۱۳۹۳: ۶۳) علامه طباطبائی در بیان اعتماد و تسلیم بودن انسان در برابر امتحانات و ابتلائات الهی به خداوند می‌فرماید که اعتماد انسان به خداوند، اراده را کشش داده و عزم را راسخ می‌کند، تا موانع و رنج‌ها در او رخنه نکرده و وسوسه‌های شیطانی انسان را از هدف نهایی که خداوند است، منحرف نسازد. (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۳۲) این روایت و سخن علامه که در تعریف ادب ذکر شد، نشانگر شخصیت والای پیامبر(ص) در زمینه اخلاق و ادب در پیشگاه حق تعالی می‌باشد؛ چرا که رضایت قلبی و تسلیم بودن بی‌چون و چرا در هر زمانی، بیان‌کننده کمالات ایشان در زمینه ادب بوده است. همچنین علامه در تفسیر المیزان، نظرات مختلفی از هدف عبادت و فرمانبرداری پیامبر(ص) از کتاب‌های دیگر آورده‌اند؛ اما در نهایت آن‌ها را رد کرده و عبادت پیامبر(ص) را اخلاص نیت ایشان برای خدا و مخلص بودن ایشان در ادب کردن به خدا بیان کرده‌اند. (همان) در ادامه ایشان روایاتی را بیان می‌کنند که نشانه اخلاص در ادب کردن به خداوند را در پیامبر(ص) نشان می‌دهد. برای نمونه از کتاب کافی و روایتی از امام صادق(ع) یاد می‌کنند که: «رسول خدا(ص) در هر روز هفتاد بار توبه می‌کرد، پرسیدم آیا هفتاد بار می‌گفت: (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ)؟ فرمودند: نه، بلکه می‌گفت (أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ) عرض کردم رسول خدا(ص) توبه می‌کرد و گناه مرتکب نمی‌شد و ما توبه می‌کنیم و باز تکرار می‌نمائیم. فرمود: الله المستعان - باید از خدا مدد گرفت.» (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۳۳) علامه نه تنها عبادت پیامبر(ص) را ادب به پیشگاه الهی معرفی کرده‌اند، بلکه اخلاص ایشان در فرمانبرداری و عبادت خداوند را هدف نهایی بیان کرده‌اند و پیامبر(ص) نمونه خوبی در الگوگیری در این راه بسی ژرف می‌باشند. پس پیامبر(ص) طبق آیات، روایات و نگاه تفسیری علامه، در تمامی امور، فرمانبردار دستورات الهی بودند و هیچگاه از فرامین پروردگار سرپیچی نکرده‌اند. این امر حتی در سختی‌ها و ابتلائات الهی، برقرار بوده‌است و پیامبر(ص) از اتفاقات و سختی‌های بعثت، گله نکرده‌اند.

۲-۳- ادب در انتساب

ادب در انتساب به معنای نسبت دادن چیزهای خوب و مبرا دانستن چیزهای بد از خداوند است. (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹: ۸۰) حمد و ستایش خداوند و انتساب خداوند به کمالات نشانه‌ای از ادب شخص در پیشگاه الهی است. علامه طباطبائی در سوره حمد با استدلال بر اینکه «ال» در

«الحمد لله» مفید جنسیت یا استغراق است، معتقدند که همه چیز مخلوق خداست و همه مخلوقات از آن جهت که مخلوق خدایند، واجد حسن‌اند و خداوند اختیاراً آن‌ها را آفریده‌است. به علاوه خداوند دارای اسماء نیکویی است که نشانگر زیبایی‌های او در صفات و افعال می‌باشد که باید مورد حمد و ستایش قرارگیرد. علامه همچنین از دیدگاه فلسفی حمد و ستایش پروردگار را چنین توضیح می‌دهند: «از آن‌جا که معلول، کمال خود را از علتش اخذ می‌کند، هرگونه حمدی که بدان نسبت داده‌شود، در واقع حمدِ علت آن است، بنابراین بازگشت هر حمد و ثنایی به ذات پروردگار است.» (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۲۷) علامه طباطبائی در تفسیر آیه: « مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِنَاسٍ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (نساء/ ۷۹) آنچه از خوبی به تو برسد، از جانب خداست و آنچه از بدی‌ها به تو برسد، از جانب خود توست.» خطاب را از آن مومنان ضعیف النفس می‌دانند و خطاب آیه به پیامبر(ص) را از آن جهت که ایشان نیز انسان است می‌دانند. ایشان معتقدند که همه‌ی انسان‌ها اعم از پیامبر(ص) و افراد عادی فی نفسه از سلسله امور خیر بهره می‌برند، از قبیل عافیت، نعمت، امنیت و آسایش که این‌ها همه از جانب پروردگار است. اما سلسله امور سیئه که طبع انسان از آن متنفر است نیز به انسان می‌رسد مثل مرض و فقر که منشأ این‌ها خود انسان است نه خدا و این منافاتی با امور خیر ندارد. (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۹) بنابراین طبق دیدگاه ایشان امور خیر واصل به ذات اقدس الهی است و امور شر به علت کاستی‌ها و یا عقوبت از جانب انسان سرچشمه می‌گیرد. از این رو انتساب حسنات و خیر به خداوند و سلب بدی‌ها از جانب او، به نوعی ادب در انتساب صفات به ذات اقدس الهی می‌باشد که پیامبر(ص) طبق روایات وارده در این امر به نوعی اکمل پیش قدم بوده و هیچ زمان فروگذاری نکرده‌اند. با توجه به مراتب ادب نبوی در پیشگاه الهی، نتیجه بر آن شد که پیامبر(ص) در رتبه ادب در ذکر الهی به شکلی اعلاء آن‌را به جای آورده و مستند او روایات وارده و استدلال‌های علامه در این زمینه می‌باشد. هم‌چنین نبی مکرم اسلام(ص) در امتثال الهی از هیچ تکلیفی فروگذاری نکرده و فرمانبرداری خداوند را در بالاترین درجه بجا آوردند. ایشان در انتساب صفات نیک به پروردگار هم در زبان و هم در عمل به‌صورتی زیبا عمل کرده و از این‌رو سیره ادب نبوی در پیشگاه الهی، بهترین الگو برای جهانیان می‌باشد.

الف) - ادب نبوی نزد بندگان الهی

ادب و اخلاق اسلامی سرمایه‌ای ارزشمند برای دنیا و آخرت است. از این رو لازم است برای شکوفایی نهال اخلاقی و رشد بذر فضایل انسانی از شخصی کامل در این زمینه همچون پیامبر گرامی اسلام(ص) پیروی کرد. پیامبر اکرم(ص) اولین شخصیت معنوی و اخلاقی جهان هستی است که مدارج و مراحل عالی انسانیت را پیموده و بهترین الگو برای ملکات فاضله انسانی می‌باشد. قرآن کریم هدف بعثت را تزکیه و تهذیب روح و نهادینه سازی فضایل انسانی در جان آدمی معرفی کرده است و آن را بر تعلیم و تربیت مقدم داشته است. از سوی دیگر پروردگار، پیامبر اکرم(ص) را در میان انبیاء الهی به صفت خلق نیکو و عظیم ستوده است. این خلق دربردارنده تمامی رفتارهای مناسب و آداب صحیح زندگی و معاشرت است که ادب نبوی را ظاهر می‌کند. (شیداییان، ۱۳۸۵: ۴) در قرآن مجید نه تنها نقش اخلاق و ادب پیامبر(ص) در پیشرفت اسلام و جذب دل‌ها تصریح شده، بلکه در ترسیم سیمای پیامبر(ص)، سرزمین شخصیت و ادب ایشان، مزرع رویش رحمت و صلابت معرفی شده است. «فَبِمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ (آل عمران/ ۱۵۹) ای رسول ما! به خاطر لطف و رحمتی که از جانب خدا شامل حال تو شده، با مردم مهربان گشته‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند، پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها طلب آموزش کن و در کارها با آن‌ها مشورت فرما.» علامه طباطبایی روایاتی چند از سنن و آداب رسول الله(ص) در معاشرت با مردم را در تفسیر المیزان آورده‌اند که نشانگر تأیید ایشان نسبت به کمال ادب پیامبر(ص) با بندگان الهی می‌باشد.

ب) - ادب در گفتار پیامبر(ص) با مردم

گفتار یک انسان، نشانگر شخصیت و منش آن است. وقتی شخصی لب به سخن می‌گشاید، اگر سخنان بیهوده و دور از ادب و اخلاق بگوید، حتماً بی ادب و گزافه‌گو نامیده می‌شود. اما اگر همان شخص با سخنانی سنجیده و با احترام و ادب در مجلسی حاضر شود، قطعاً مورد احترام و تقدیر خواهد بود. نبی مکرم اسلام(ص) در تمام طول عمر خود سخن گزافه‌ای نگفتند و همیشه سخنانشان چون گوهری گرانبه‌تر می‌نمود. گواه این ماجرا روایاتی است که سیره ایشان را توضیح داده و به مدح ایشان پرداخته‌اند.

۱- ادب در زمان سخن گفتن دیگری

علامه در بیان ادب پیامبر(ص) در زمان سخن گفتن با دیگران، روایتی را در تفسیر خود آورده‌اند و توضیحاتی را بیان نمودند که به شرح ذیل است: «وَلَا يَقْطَعُ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَجُوزَ» این است که نبی خدا(ص) سخن هیچ گوینده‌ای را قطع نمی‌کرد مگر آن که از حق تجاوز می‌کرده که در آن صورت تذکر می‌داده که این سخن تو درست نیست و یا برمی‌خواست و می‌رفته. (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۴۱) نظر به روایت مذکور، پیامبر(ص) ادب در سخن گفتن را بسیار مراعات می‌کرده است که آن خود نشانه‌ای از درجه بالای روحی ایشان می‌باشد؛ چراکه با وجود قرارگرفتن در مقام نبوت، بازهم انسانی با ادب و با اخلاق می‌باشند و به خود غرّه نگشته‌اند. همچنین در روایات دیگر نیز به ادب پیامبر(ص) در سخن گفتن پرداخته است. برای مثال اینکه ایشان جز در مواقع ضرورت، لب به سخن نمی‌گشود و هنگام تکلم، به آرامی آغاز سخن کرده و به آرامی لب فرو می‌بست. کلامشان کوتاه، جامع و خالی از تفصیل و نارسایی بود. ایشان اگر طعامی را نمی‌پسندیدند، مذمتی در کار نبود؛ چرا که موجب غضب دیگران می‌شد. (طباطبائی، ۱۳۹۴: ۱۱) روشن است که بیان این آداب از سنت پیامبر(ص)، نشانگر اوج ادب و متانت ایشان حتی در رتبه نبوت می‌باشد.

۲- راستگویی

نمونه‌ی دیگری از ادب در گفتار، راستگویی می‌باشد. این ویژگی در راستای احترام و ادب شخص به دیگران صورت می‌گیرد؛ یعنی هرگاه آن فرد به شعور دیگران ادب و احترام نگذارد، دروغ خواهد گفت. راستگویی از بهترین فضایل است که نتیجه آن اعتماد افراد نسبت به شخص راستگو خواهد بود. خداوند در قرآن کریم مومنان را پس از سفارش به تقوای الهی، به وارد شدن در زمره راستگویان فرامی‌خواند. (توبه/ ۱۱۹) پیامبر(ص) نیز همیشه به انسان راستگو معروف بودند و راستگویی را زینت گفتار می‌دانستند. همچنین نزدیک‌ترین اشخاص را در روز قیامت به خود را راستگوترین‌ها معرفی می‌کنند. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۹) پیامبر(ص) می‌فرمایند: «ایمان بنده‌ای به درستی نمی‌گراید تا قلبش درست شود و قلبش درست نمی‌شود تا زبانش درست و راستگو شود.» (نوری طبرسی، ۱۳۶۹: ۳۱) آیه ۱۷۷ سوره بقره صادقین را به نوعی تفسیر کرده‌است. در این آیه ابتدا این گمان را که نیکی، روی نمودن به طرف مشرق یا مغرب به عنوان قبله باشد، نفی نموده

و پس از آن می‌فرماید: «بلکه نیکی کسی است که به خدا و روز آخرت و ملائکه و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته و مال خود را با آنکه دوستش می‌دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و راه ماندگان ... که راست گفتند و همینان‌اند که تقوی دارند.» علامه طباطبائی رحمه الله درباره این آیه می‌فرماید که در طول این آیه نیکوکاران شناسانده شده‌اند. بار اول در همه مراتب اعتقاد و اعمال و اخلاق و بار دوم با عبارت (اولئکَ الَّذِینَ صَدَقُوا) و بار سوم با عبارت (اولئکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ). (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۲۸) بعد از آن با توضیح عبارات به کار رفته در بار اول می‌پردازند و آنگاه می‌گویند که بار دوم یعنی جمله (اولئکَ الَّذِینَ صَدَقُوا) وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد، چراکه صدق با جمیع اخلاق یعنی عفت و شجاعت و حکمت و عدالت (چهار ریشه اخلاق فاضله) و فروع آن‌ها مصاحب و همنشینی دارد؛ چراکه انسان غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیزی ندارد و زمانی که صادق باشد این سه چیز مطابق یکدیگر می‌شوند و در نتیجه انجام نمی‌دهد مگر آنچه را که می‌گوید و نمی‌گوید مگر آنچه را اعتقاد دارد. در این هنگام است که ایمان خالص و اخلاق فاضله و عمل صالح، همه باهم برایش پدید می‌آید. (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۴۲۹) پس راستگویی پیامبر(ص) را می‌توان نوعی ادب به مردم تلقی کرد؛ چراکه با تصور خلاف آن که دروغ است، نوعی بی‌احترامی و بی‌ادبی بر ذهن متبادر می‌گردد. از این رو با راستگویی، شخصیت طرف مقابل حفظ شده و راه تعاملات درست اجتماعی به همراه ادب و اخلاق هموار می‌گردد که پیامبر(ص) این امر را به بهترین شکل در طول زندگیشان انجام دادند.

۳- سپاسگزاری

از نمونه‌های دیگر ادب در گفتار، سپاسگزاری است. زمانی که از زحمت و خدمت دیگران تشکر و قدردانی شود، در اصل به آن‌ها ادب و احترام شده‌است. اهمیت این امر از آنجایی روشن می‌شود که خداوند نیز خود را در قرآن کریم به (شاکر) و (شکور) معرفی می‌کند: «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره/ ۱۵۸)، «إِنَّ اللَّهَ عَفْوٌ شَكُورٌ». (شورا/ ۲۳) از این رو اهمیت شکرگذاری در قبال امور مختلف به علت متصف شدن خدا به این ویژگی دانسته می‌شود. یکی از ارکان‌های مهم ادب در گفتار این است که انسان‌ها زحمات و خدمات یکدیگر را ارج نهند و از آن رو که خداوند اکمل و اتمم تمامی صفات را داراست، پس صفت شاکر را نیز در بهترین نحو دارا است. از

طرفی دیگر پیامبر(ص) نیز که آخرین فرستاده خداوند برای ابلاغ شریعت بزرگ اسلام است، این صفت را در بهترین نوع خود دارا خواهد بود؛ اساس این مطلب در روایات و سنت وارده از ایشان مشهود است. در نظر رسول خدا(ص) سپاسگزاری از خدا بدون سپاسگزاری از مردم، مردود است و در این راستا می‌فرمایند: «هرکس سپاسگزار مردم نباشد، سپاسگزار خدا نیست.» (ترمذی، ۱۳۹۷: ۲۰۲۱) ایشان به نوعی تشکر از مردم در قبال زحماتشان را، تشکر از خداوند می‌دانند. اولین شخص نیز در راستای این رفتار مؤدبانه خودشان بودند؛ برای نمونه همواره از همسرشان حضرت خدیجه یاد می‌کردند و بر او درود می‌فرستادند که نمونه‌ای از تشکر ایشان است: «خدیجه هنگامی به من پیوست که همه مردم از من دوری می‌گزیدند، مرا در راه اسلام تنها گذاشت و حمایت کرد؛ خدایش بیامرزد که زن پربرکتی بود و از او صاحب شش فرزند شدم.» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۲) همچنین ایشان از زنی به نام (تویبه) که در دوران شیرخوارگی، چند روز به ایشان شیر داده و ایشان را سرپرستی کرده، یاد می‌کردند و به او احترام می‌گذاشتند و از مدینه برای آن خانم که در مکه بود، لباس و هدایایی می‌فرستاد. (قمی، ۱۳۸۵: ۵۴) نتیجه آن که تشکر و قدردانی از زحمات اشخاص، نوعی ادب محسوب می‌شود، چرا که خداوند نیز این امر را در قرآن کریم یادآور شدند و حتی صفت شکور را برای خود به کار برده‌است. پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز در این راستا به‌گواه روایات وارده، همیشه از اشخاصی که محبتی در حق ایشان کردند تشکر می‌کردند و حتی در نبودشان نزد دیگران یادآور خدماتشان می‌شد و این امور بیانگر شخصیت مؤدب ایشان می‌باشد.

۴- ادب در رفتار پیامبر(ص) با مردم

حضرت محمد(ص) خاتم انبیاء است و انسانی کامل که پرداختن به رفتار و سکنات ایشان می‌تواند اوج ادب و اخلاق و مهرورزی را در قلب ایشان هویدا سازد. پیامبر(ص) باوجود دارا بودن علو درجات، بازهم از ادب و احترام به دیگران، غافل نبودند و آن را در عمل نشان دادند. پیامبر به دلیل داشتن خلق عظیم، (قلم/ ۴) به نوعی رحمتی برای جهانیان است (انبیاء/ ۱۰۷) و نمونه الگوی اخلاقی اکمل برای تمامی انسان‌ها در تمامی ادوار می‌باشند. (احزاب/ ۲۱) ایشان نسبت به تمامی مردم دلسوز و مهربان بودند و با ادب با آنان رفتار می‌کردند و همین امر موجب شد در

طول ۲۳ سال نبوت، دل‌های گمراه بسیاری را شیفته اسلام کنند. ادب در رفتار پیامبر(ص) در دارای مصادیق و نمونه‌های متنوعی است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

۵- حسن معاشرت در میهمان نوازی

میان جوامع مختلف، افراد هنگام ارتباط با یکدیگر، از رفتارهای متفاوتی استفاده می‌کنند. اسلام برای این رویارویی، سفارشات دارد که با عمل به آن‌ها بهترین ارتباطها را می‌توان رقم زد. رسول گرامی اسلام(ص) که بهترین مفسر دین می‌باشند، این رفتارها را در گفتار و در عمل به مسلمین آموختند. برای مثال ایشان می‌فرمایند: «میهمان راهنمای بهشت است.» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۶۰) همچنین ایشان میهمان را مایه آمرزش گناهان معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «میهمان به همراه روزی خود وارد خانه می‌شود و هنگامی که از خانه میزبان خارج می‌شود، همه گناهان آن را خانه را با خود می‌برد.» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۴۶۱) روایت‌های مذکور و روایات این چنینی، نشانگر توج ادب و احترام پیغمبر(ص) به میهمان است که با حسن معاشرت موجب خوشحال میهمان می‌شدند. البته ایشان جز وظایف میزبان برای ادب و احترام به میهمان، وظایفی را نیز برای میهمان برشمرده‌اند که باعث ایجاد یک رابطه خوشایند دو طرفه میان اشخاص می‌شود. اما در کل بحث از رفتارهای ایشان در معاشرت با میهمان، بیانگر ادب و اخلاق خوب ایشان است. البته می‌توان دلیل این ادب را در عمق احادیث وارده پیامبر(ص) در مورد میهمان جستجو کرد که ادب و اخلاق حسنه ایشان ریشه در تعالیم ملکوتی دارد و ایشان به دلیل موفقیت در زمینه ادب در محضر الهی، در زمینه ادب در اجتماع نیز موفق شدند. علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان، جلوه‌های رفتاری پیامبر(ص) را در میهمان نوازی مورد توجه قرار داده‌اند که در این زمینه تنها با بیان روایاتی همچون روایات مذکور بسنده کرده‌اند.

۶- رفتار در مجالس

نمونه بعدی از ادب پیامبر(ص) در اجتماع، رفتار ایشان در مجالس است که سرشار از ادب و اخلاق پسندیده و والایی بود که نشانگر شخصیت ارجمند ایشان می‌باشد. ادب و اخلاق چنان جایگاهی در مجالس ایشان داشت که کسی جرأت گناه کردن به خود نمی‌داد. این محافل جلوه‌گاه بردباری، حیا، ادب، راستگویی و امانت بود. صدای افراد در آنجا بلند نمی‌شد و احترام

کسی نمی‌شکست. اگر در آن محفل، اشتباهی از کسی سر می‌زد، جایی نقل نمی‌شد. همه حاضران، انصاف در سخن و رفتار را در حق یکدیگر رعایت و بر اساس ادب و پرهیزگاری عمل می‌کردند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق: ۲۶۹) این همه نشانگر شخصیت والای ایشان در اداره مجلسشان برای ادای ادب و اخلاق می‌باشد. ایشان محفل‌هایشان را با هر موضوعی، در نهایت ادب و احترام و تکریم، اجراء می‌کردند که این به معنای تأثیرپذیری جوّ مجلس از صاحب آن می‌باشد. پیامبر(ص) همواره در جلسات خود، مهربان و خوشرو و با ادب بودند و هیچگاه سبک‌سر و خشن نبودند. ایشان آنقدر با جذب و با احترام و ادب با دیگران برخورد می‌کردند که دیگران نیز در حضور ایشان تحت تأثیر قرار گرفته و به خود اجازه نزاع و جدال نمی‌دادند. پیامبر(ص) ادب را برای همه یکسان مراعات می‌کردند و برای ایشان همه قابل احترام بودند. (طباطبائی، ۱۳۹۴: ۵۲) احترام و ادب به دیگران آنقدر برای ایشان اهمیت داشت که اگر می‌خواستند به کسی اشاره کنند، با دستی باز اشاره می‌کردند. (مجلسی، ۱۳۷۸: ۴۶۷) نبی مکرم اسلام(ص) در نحوه‌ی نشستن نیز ادب را رعایت کرده و پای خود را در حضور دیگران دراز نمی‌نمود. (همان) همچنین ایشان هیچگاه مانند بسیاری از عرب‌ها که لباسشان را بالا می‌زدند، چنین کاری نمی‌کردند. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۳۶) این روایات که سنت پیامبر(ص) در عمل را نشان می‌دهد، بیانگر اوج ادب و اخلاق الهی ایشان می‌باشد، که با وجود زندگی میان اعراب بادیه نشین، باز هم مکارم اخلاق را به بهترین شکل انجام می‌دادند. ایشان در مورد ادب مجلس می‌فرمایند: «چشم‌هایتان را از گناه پوشیده دارید، جواب سلام را بدهید، نابینا را راهنمایی کنید و امر به معروف و نهی از منکر کنید.» (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲۶) علامه طباطبائی رحمه الله راز طهارت روح پیامبر(ص) از آلودگی و متأدب شدن به ادب الهی را اعتقاد به توحید ناب و خالص می‌دانند که معارف بالای قرآن کریم به آن گواهی می‌دهد. همچنین علامه هدف نهایی پیامبر(ص) در مسلک اخلاقی قرآن را اینگونه بیان می‌دارد: «فَأَمَّا يُرِيدُ وَجْهَ رَبِّهِ وَ لَا هُمْ لَهُ فِي فَضِيلِهِ وَ لَا رَذِيلَهُ وَ لَا شَغْلَ لَهُ بِشَاءٍ جَمِيلٍ وَ ذِكْرَ مَحْمُودٍ وَ لَا التَّفَاتِ لَهُ إِلَى دُنْيَا أَوْ آخِرَةٍ أَوْ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ وَ أَنَّمَا هَمَّهُ رَبُّهُ وَ زَادَهُ دَلَّ عُبُودِيَّتِهِ وَ دَلِيلَهُ حُبُّهُ؛ انسان در مسلک اخلاق توحیدی قرآن در نهایت به مرحله‌ای می‌رسد که فقط وجه باقی خداوند متعال را می‌طلبد و دیگر نه فضیلتی برای او مطرح است نه رذیله‌ای، نه به فواید دنیوی می‌اندیشد و نه فواید اخروی. یعنی هدف او رسیدن به خدای متعال و قرب الهی است و ردائل و فضائل اخلاقی به عنوان انسان نیستند بلکه تنها رسیدن به خدا دستیابی به

رضایت خداوند و قرب الهی هدف اصلی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۷۵) با توجه به اخلاق و ادب پیامبر(ص) در رفتار و گفتار، به این مهم دست یافتیم که ایشان نمونه کاملی از یک انسان مودب می‌باشند که در آیات و روایات این مطلب به صورت‌های مختلف تصریح شده است. علامه طباطبایی نیز در تفسیر میزان طی بررسی آیاتی چند و مطابقت آن‌ها با احادیث وارد، جایگاه والای پیامبر(ص) را در زمینه ادب و اخلاق روشن کردند.

نتیجه گیری

نبی مکرم اسلام(ص) مظهر کاملی از ادب و اخلاق می‌باشند. سیره‌ی ایشان مملو از ادب در پیشگاه الهی و همچنین نزد بندگان الهی است. پیامبر(ص) در هنگام فرمانبرداری و انتساب القاب نیکو به خداوند به بهترین شکل ادب می‌کردند و این ادب را در حیطه احترام به مردم نیز گسترانیده بودند. ایشان نه تنها در مجالس مسلمانان، بلکه در تمامی برخوردهای خود با دیگران، تأدیب الهی را به نمایش می‌گذاشتند. از این‌رو با بررسی موضوع «جایگاه ادب در سیره پیامبر اکرم(ص) با تکیه بر دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی(ره)» سعی شد تا نمونه‌ای از ویژگی‌های ژرف نبی اسلام(ص) برای الگوگیری جهانیان و معرفی شخصیت والای ایشان بیان شود. علامه طباطبائی(ره) نیز در تمامی این زوایا با دیدگاه تفسیری خود و با استناد بر روایات متعدد در تفسیر میزان، تکیه‌گاه محکمی برای تأیید جایگاه رفیع پیامبر(ص) در زمینه ادب و مکارم اخلاق می‌باشند. امید است با الگوگیری ما مسلمانان از این ویژگی‌های مهم، اسلام ناب محمدی(ص) را به بهترین شکل به جهانیان معرفی کنیم و راه را برای ظهور منجی بشریت مهدی موعود(عج) هموار کنیم.

تشکر و قدردانی

نویسندگان پژوهش فوق بر خود لازم دانستند از زحمات مؤسسه علمی و حقوقی قانون یار و سایر ارگان‌ها و سازمان‌های حامی برگزاری همایش علمی-پژوهشی «مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام» قدردانی نمایند. از داوران این مجموعه که وقت طلایی خود را صرف این پژوهش خواهند گذاشت، بسیار متشکر و قدردان هستیم.

منابع

قرآن کریم، مترجم: الهی قمشه‌ای.

فهرست کتاب‌ها

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق) اسد الغابه، چاپ اول بیروت - لبنان: انتشارات دار الفکر.
۲. ابن عربی، محی الدین، (۱۳۹۲هـ ش) فتوحات مکیه، چاپ چهارم، ترجمه: محمد خواجوی، تهران: انتشارات مولی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۴ق) لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
۴. امین، هیئت محمد، (۱۳۸۵هـ ش) آداب اسلامی، تصحیح: صادق شفقائی زاده، قم: دارالانصار.
۵. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۳۹۷هـ ش) سنن ترمذی، چاپ اول، ترجمه: محمدرضا درخشانی، تهران: انتشارات حسینی اصل.
۶. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۹هـ ش) نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، چاپ هشتم، قم: تشیع.
۷. حسینی شیرازی، محمد، الوصول الی کفایه الاصول، بیروت: دار العلم، چاپ اول، ۱۳۹۹هـ ش.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ هـ ش) لغتنامه دهخدا، چاپ اول، تهران: روزنه.
۹. دیلمی، محمد ابی الحسن، (۱۳۹۵هـ ش) ارشاد القلوب، چاپ دوم مترجم: عبدالحسین رضائی، قم: دارالحديث.
۱۰. صدر، محمد باقر، (۱۴۱۰هـ ق) جواهر الاصول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۱. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۸هـ ش) تفسیر المیزان، چاپ پنجم، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، تهران: امیرکبیر.
۱۲. -----، (۱۳۹۴هـ ش) سنن النبی، چاپ نهم، ترجمه: محمد هادی فقهی، قم: بوستان کتاب.

۱۳. طبرسی، فضل بن محمد، (۱۳۸۶هـ.ش) مکارم الاخلاق، چاپ دوم، تهران: حبيب.
۱۴. -----، (۱۳۸۷هـ.ش) الآداب الدينيه للخزانه المعينيه (آداب ديني)، چاپ دوم، مترجم: احمد عابدي، قم: زائر آستانه مقدسه.
۱۵. الطريحي، فخرالدين، (۱۳۸۷هـ.ش) مجمع البحرين، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
۱۶. عميد، حسن، (۱۳۷۵هـ.ش) فرهنگ عميد، چاپ ششم، تهران: اميركبير.
۱۷. قمی، عباس، (۱۳۸۵هـ.ش) كحل البصر في سيره سيد البشر، چاپ اول، تهران: عاشورا.
۱۸. كلينی، محمد بن يعقوب، (۱۳۹۳هـ.ش) اصول كافي، چاپ چهارم، ترجمه: حسين استادولي، قم: دارالثقلين.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۶هـ.ش) بحارالانوار، چاپ چهارم، قم: الاسلاميه.
۲۰. محيطی، علی، (۱۳۸۱هـ.ش) صراط سلوك، چاپ چهارم، قم: آل علی.
۲۱. مشكینی، علی، (۱۳۹۴هـ.ش) اصطلاحات الاصول، چاپ اول، ترجمه: علی رضا شاه فضل، قم: بوستان كتاب.
۲۲. مقری فیومی، احمد بن محمد، (۱۳۸۳هـ.ش) مصباح المنير، چاپ سوم، قم: هجرت.
۲۳. موسوی بجنوردی، كاظم، (۱۳۹۸هـ.ش) دائره المعارف بزرگ اسلامي، چاپ اول، تهران: مركز دائره المعارف بزرگ اسلامي.
۲۴. نجفی، ابوالحسن، (۱۳۷۸هـ.ش) غلط ننویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)، چاپ نهم، تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. نوری طبرسی، حسین، (۱۳۶۹هـ.ش) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: آل البيت.

فهرست مقالات

۱. شیدا بیان، حسین، «سیره اخلاقی پیامبر اعظم(ص)»، حصون شماره ۹، پاییز ۱۳۸۵، ۲۳-۳۶.

۲. شمس، محمد جواد؛ زارع باز قلعه، صونیا، «ادب و سلوک عرفانی»، نشریه عرفانیات در ادب فارسی (ادب و عرفان) « شماره ۶ رتبه علمی - پژوهشی، دانشگاه آزاد / ISC، بهار ۱۳۹۰، ۱۸۷-۱۵۸.
۳. عمادی استرآبادی، صدیقه، «بررسی ابعاد خُلق عظیم پیامبر اعظم(ص)»: نشریه مطالعات قرآنی، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹، ۱۲۴-۱۰۱.



Abstract

Politeness and good morals are among the beautiful qualities of the soul and lead to the exaltation of the soul. As a preacher of religion, the Prophet (PBUH) has the most perfect morals from God; Therefore, he is the creator of the most complete type of politeness. They were polite in the presence of God and in remembering, obeying and attributing to the Lord, and they have observed politeness in the best way in speech and deed with God's servants. Allameh Tabatabai (may Allah be pleased with him) also explained the place of ethics and manners of the Prophet (pbuh) in Tafsir al-Mizan, under several verses, by stating numerous traditions. Examining this article is to model and influence young people from a perfect person with good qualities. This research, with a descriptive-analytical method and in a documentary and library form, by extracting materials from relevant sources, has investigated the height of the Prophet's (PBUH) politeness; Because they have shown these qualities in a perfect way and the verses and narrations in this context are proof of the story. The result is that the beloved Prophet of Islam (PBUH) in the interpretation view of Ayatollah Tabatabai (RA), both in the presence of God and in personal gatherings, was polite and possessed of moral perfections, which he practiced in his speech and behavior.

Key words: politeness, education, life of the Prophet (PBUH), interpretive view, Allameh Tabatabai